

کلام مرحوم نائینی:

مرحوم نائینی می نویسد:

«قد ذکر لصیغة الأمر معان عديدة أيضا، حتى نقل ان بعضنا أنهاها إلى أربعة وعشرين، أو أكثر، و عدّ منها: الطَّلَب و التعجيز و التهديد و غير ذلك. و قد وقع البحث أيضا في ان ذلك على نحو الاشتراك اللفظي أو المعنوي، إلا ان الإنصاف أنه لا وقع للبحث عن ذلك في الصيغة، و ان كان له وقع في المادة، بدهاء ان صيغة الأمر كصيغة الماضي و المضارع تشتمل على مادة و هيئة، و ليس للمادة معنى سوى الحدث، كما انه ليس للهيئة معنى سوى الدلالة على نسبة المادة إلى الفاعل. نعم تختلف كيفية انتساب المادة إلى الفاعل حسب اختلاف الأفعال، ففي الفعل الماضي الهيئة أما تدلّ على النسبة التحقیقیة، و في المضارع تدلّ على النسبة التلبسیة، على ما مرّ ذلك مشروحا في مبحث المشتق. و اما فعل الأمر، فهیئته أما تدلّ على النسبة الإيقاعیة، من دون ان تكون الهيئة مستعملة في الطَّلَب، أو في التهديد، أو غير ذلك من المعانی المذكورة للهيئة، لوضوح أنه ليس معنى اضرب: اطلب، و لا اهدد، و لا غير ذلك. بل الطَّلَب، و التهديد، و التعجيز، أما تكون من قبیل الدواعی لإيجاد النسبة الإيقاعیة بقوله: افعّل.»^۱

توضیح :

۱. برای صیغه امر، معانی مختلفی ذکر شده است، برخی آنها را تا بیست و چهار معنی یا بیشتر ذکر کرده اند.
 ۲. در میان اصولیون بحث شده است که آیا این معانی، به نحو اشتراک لفظی هستند یا به نحو اشتراک معنوی.
 ۳. انصاف آن است که این بحث در مورد صیغه جای ندارد - اگرچه در مورد ماده امر می توان آن را مطرح کرد [چراکه ماده لفظ واحدی است و می تواند به نحو اشتراک لفظی وضع شده باشد] - چراکه صیغه امر مثل صیغه ماضی و مضارع، مشتمل بر هیأت و ماده است [ما می گوئیم: در این عبارت تسامحی وجود دارد چراکه صیغه امر دارای هیأت و ماده نیست بلکه فعل امر دارای هیأت و ماده است].
 ۴. ماده صرفاً حدیثی را بیان می کند (زدن، خوردن، بردن و ..) کما اینکه هیأت هم نسبت ماده و فاعل را بیان می کند.
 ۵. نسبت ماده و فاعل به نحوه های مختلفی قابل تصویر است. در فعل ماضی هیأت دال بر نسبت تحقق یافته است و در فعل مضارع دال بر نسبتی است که بالفعل بر قرار است.
 ۶. هیأت امر، دال بر نسبت ایقاعیه است و لذا اصلاً این هیأت در طلب یا تهدید و ... استعمال نشده است چراکه بالوجدان معنای اضرب «اطلب» یا «اهدد» نیست.
 ۷. طلب یا تهدید یا تعجیز از قبیل انگیزه های «ایجاد نسبت ایقاعی» هستند.
- ما می گوئیم :

۱. فوائد الأصول للنائینی، ج ۱، صفحه ۱۲۹



لازم است توجه کنیم که:

نسبت ها گاه موجود در خارج هستند و یا خواهند بود (نسبت بین زید و ضرب) و گاه ما آنها را حقیقه ایجاد می کنیم. (نسبت بین من و ضرب) هر دو این ها، مضمون هیأت های خبری هستند. اما گاه نسبت ها را ما در عالم اعتبار ایجاد می کنیم (نسبت بین شما و ضرب = به اینکه می گویم بین شما و ضرب در عالم اعتبار نسبت برقرار است) حال مراد مرحوم نائینی ظاهراً همین نسبت اخیر است (چنانکه در آخر عبارت می فرماید «ایجاد النسبة الايقاعیه» یعنی به وسیله هیأت امر نسبتی که انشائی و اعتباری است را ایجاد می کنیم).

در این صورت عرض می کنیم: اولاً در عبارت ایشان که فرمودند «تدلّ علی النسبة الايقاعیه» باید قائل به تسامح شویم؛ چراکه این عبارت به نوعی اخباری بودن صیغه امر را می رساند. ثانیاً: بالوجدان صیغه امر نسبتی اعتباری بین ضرب و شما برقرار نمی کند، بلکه از شما، ضرب را میخواهد. پس اگر مراد ایشان از نسبت ایقاعیه، «بعث به سمت ضرب» است، این همان فرمایش امام است و الا باطل است.

مرحوم نائینی بر مبنای خویش مطلبی را مبتنی کرده و می نویسد:

«و من هنا تمحضت صیغه افعال للإنشاء و لا تصلح ان تقع اخباراً، إذ الإيقاع لا يمكن ان يكون اخباراً. و هذا بخلاف صیغه الماضي و المضارع، حيث أنّهما يصلحان لكلّ من الإنشاء و الأخبار. أمّا الماضي، فوقعه إنشاء في باب العقود واضح. و أمّا المضارع، فإنشاء العقد به محلّ خلاف و إشكال. نعم المضارع إنّما يقع إنشاء في مقام الطلب و البعث، كيصلّى، و يصوم، و ما شابه ذلك و هذا بخلاف الماضي، فأنّه لم يعهد وقوعه إنشاء في مقام البعث و الطلب ابتداءً، و ان استعمل في القضايا الشرطيّة في ذلك لانقلابه فيها إلى الاستقبال، و لكن استعماله في الطلب في غيرها ممّا لم نعده. و علی كلّ حال، لا إشكال في أنّ صیغه افعال ليست بمعنى الطلب و لا غيره من سائر المعانی، و إنّما هي موضوعة لإيقاع النسبة بين المبدأ و الفاعل لدواعی: منها الطلب و منها التّهدید و منها غير ذلك، فتأمل جيّداً.»^۱

توضیح :

۱. چون صیغه امر برای نسبت ایقاعیه وضع شده، نمی توان به وسیله صیغه امر از نسبتی خبر داد. در حالیکه به وسیله صیغه ماضی و مضارع می توان ایقاع نسبت کرد.
۲. صیغه ماضی می تواند انشایی باشد چنانکه در باب عقود چنین است و صیغه مضارع - اگرچه به کار گیری آنها در باب عقود محل تأمل است - ولی می تواند در مقام طلب به کار رفته و ماده ای را ایقاع کند.
۳. صیغه ماضی ابتداءً نمی تواند چیزی را ایقاع کند ولی اگر در قضایای شرطیه به کار رفت، چون معنای آن به

۱. فوائدالأصول للنائینی، ج ۱، صفحه ۱۲۹



معنای مضارع تبدیل می شود، می تواند ایجاد نسبت کند.

ما می گوئیم :

ایشان توضیح نداده اند که چگونه هیأت های خبری، ایقاع نسبت می کنند بلکه صرفاً به وجود آنها اشاره کرده اند. در حالیکه اگر لازم است صیغه امر ممخّص در انشاء باشد، لازم است صیغه ماضی و مضارع - اگر در معنای حقیقی خود استعمال شده اند - هم ممخّص در اخبار باشند.

جمع بندی کلام مرحوم نائینی:

اینکه صیغه امر برای ایجاد نسبت ایقاعیه وضع شده است کلام کاملی نیست ولی توجه ایشان به اینکه طلب، تعجیز و تهدید دواعی آمر هستند نکته کاملی است که در پایان به آن اشاره خواهیم کرد.

کلام مرحوم عراقی:

بازگشت کلام مرحوم عراقی به نوعی به کلام مرحوم نائینی است به اضافه آنکه ایشان گویی به اشکال مطرح شده نیز توجه دارند؛ ایشان می نویسند:

«أن صيغة اضرب مثلا لما كانت مشتملة على مادة و هيئة خاصة فمادتها تدلّ حسب الوضع النوعي على نفس الحدث و اما هيئتها الخاصة فهي أيضا لا تدلّ الا على النسبة الإرسالية و المحركية بين المبدأ و الفاعل، لكن لا مفهوم هذه النسبة لأنه معنى اسمي، بل مصداقه و صورة ذلك الربط الخاصّ الحاصل من تحريك المأمور نحو العمل على طبق الإرسال الخارجي، و حينئذ فلا يكون المستعمل فيه في الصيغة الا النسبة الإرسالية لا مفهوم الطلب كما عليه الكفاية «قدس سره» و عليه فلا بدّ و ان يكون دلالتها على الطلب من جهة الملازمة خاصة الناشئ هذا التلازم من جهة كون المتكلم في مقام الجدّ بالإرسال.»^۱

توضیح :

۱. صیغه «اضرب» ماده ای دارد و هیأتی.
۲. ماده آن بر «وضع نوعی حدث» دلالت دارد و هیأت آن بر نسبت ارسالیه و محرکیه بین مبدء و فاعل دلالت دارد.
۳. اما این نسبت، یکی معنای اسمی نیست بلکه صورت آن معنای حرفیه ای است که از تحریک مخاطب به سوی عمل، حاصل می شود.
۴. و لذا مستعمل فيه در صیغه مفهوم طلب نیست بلکه ملازم با مفهوم طلب است.
۵. ملازمه هم به سبب آن است که می گوئیم متکلم نسبت به تحریک مأمور قصد جدی داشته، پس عقلا آن را

۱. نهاية الافکار، ج ۱ ص ۱۷۸



طلب کرده است.

درس خارج اصول استادیوسن نجینی

